



سخی صمیم

قسمت چهارم و اخیر

در صورت حکم محکمه با صلاحیت شخص مفقود «متوفی» شناخته میشود

شهکاری از شاخص انسانیت با ندای وجدان:

آموزه از رعایت قواعد شریعت و حقوق (و درس عبرتی بر پیروان احکام اسلام).

صوفی رسول

نمادی از صداقت و راستکاری

شروع این بخش مرتبط با قسمت های سابقه است.

- ۱ - شخصیکه بیش از چار سال مفقود گردیده و غالباً هلاک وی متصور باشد چنین شخص به حکم محکمه با صلاحیت متوفی شناخته میشود. و در سایر موارد تشخیص مدتیکه بعد از آن شخص مفقود متوفی شناخته میشود مفوض به رأی محکمه می باشد.
- ۲ - محکمه در معلوم نمودن حیات و وفات شخص مفقود از وسایل ممکنه استفاده می نماید.

هدایت و امر ماده فوق الذکر در قضیه تحت بحث ما تعیین کننده است. زمانیکه در داد گاه ها و محاکم دعای و قضایای از گونه مفقود و غایب اقامه و ضرورت اصدار حکم قضائی بمیان آید هدایت این ماده قانون مدنی و مواد دیگر مرتبط به آن با اعمال و کار برد دقیق خویش تقرب به عدالت و حفظ و رعایت نظام حقوقی را باز گو میکند. سلامت تطبیق احکام قانون و اثرات ما بعد حکم مرگ بر مفقود. اثرات بارزی در حفظ منافع زوجه و ورثه مستحق الارث محکوم حین اصدار حکم مرگ دارد.

ماده - ۳۲۸ قانون مذکور:

حالت غیاب وقتی ختم میگردد که اسباب موجب آن از بین رفته و یا شخص غایب وفات نماید یا اینکه شخص غایب به حکم محکمه با صلاحیت متوفی شناخته شده باشد.

می بینیم محور اصلی اجرائات محکمه قرار گذارشات قبلی استوار برخواست صوفی رسول' رسمیت بخشیدن به اندازه قابل ملاحظه اموال و اجناس بی سر نوشت و نامعلومی بود که از اکثریت و بالخاصه پول نقد آن به جز شخص صوفی رسول کسی دیگری آگاهی نداشت.

صوفی رسول ظاهرن صاحب اصلی و مالک حقیقی همه اموال را برادر مفقود خود معرفی و خواستار ثبت و راجستر مجموع اجناس و اموال به دفاتر دادگاه بمنظور امانت داری کامل و حفاظت و نگهداری آن بگونه شرعی گردید. محکمه هم طور قانونی خواست او را منحيث اقرار به ملکیت غیر و حفاظت اموال شخص مفقود لیبیک گفت و کارواجرائات قانونی را بجا آورد و برای صوفی رسول وظیفه و کار قانونی قیومت سپرد و او را مکلف به اجرا و پیشبرد و وظیفه محوله ساخت.

صوفی رسول هم وظیفه قانونی خویشرا با همان صداقتیکه داشت در ساحات تعیین شده بخوبی پیش می بُرد. و به محکمه اطمینان می داد.

ولی نکته قابل توجه این بود که اعضای فامیل و شخص صوفی رسول(مستند به اظهارات صوفی رسول) هیچگاهی از جستجو و پرس و پال گم شده خود ها خسته نبودند و آن را طور مستدام پیگیری میکردند. تا اینکه مرور زمان و دید و باز دید های خاندان صوفی رسول با اشخاصیکه داغ چنین وقایع را دیده و سرگذشتی از چنین وقایع با خود داشتند ایشان را نیز قانع ساخته بود که دیگر عزیز مفقود و لا درک ایشان پیدا شدنی نیست و آنها هم به کاروان دیگر نابود شده ها پیوسته است.

بر همین بنیاد: اعضای فامیل و ورثه برادر مفقود صوفی رسول به شمول خانم او(شخص مفقود اولاد نداشته است) این سنگ صبر را بر سینه کوبیده و بر آن قانع میشوند که شخص مفقود ایشان دیگر پیدا شدنی نیست. و تلاش ایشان نتیجه ی در بر ندارد.

همان است که بعد از گذشت مدت مدیدی صوفی رسول با اعضای فامیل برادر مفقود خویش به محکمه حاضر و اظهار نمودند که (ما بعد از مشوره بین خود ها و محاسن سفیدان و بزرگان به این نتیجه رسیده ایم که بایست تن به تقدیر داده صبر پیشه سازیم و از ورود و حضور گم شده خود ها دست طمع بشوئیم و مال بجا مانده ی او را به مستحقینش برسانیم. و خود ها را از مسئولیت روز باز پرس برهانیم ما این کار را به رضائیت و توافق هم انجام دادیم و حال شما کار رسمی آن را به انجام رسانید و به ما کمک کنید).

محکمه هم خواست ایشان را بر مبنای هدایت قانون و جو حاکم زمان و وقایع همگون وطن پذیرفت و مطابق خواست صوفی رسول و اعضای فامیل شخص مفقود توافق ایشان را بعد از اجرائات معمول اداری و قضائی درج وثیقه شرعی نموده کار ایشان را از محکمه یکطرفه و به معضله ایشان پایان داد.

نتیجه مختصر از آنچه خواندیم:

هر آنچه در بخشهای مختلف قضیه ی زیر بحث ما خوانده شد قضیه شاذ' یکتا و مجردی نبود که همگون و هم طراز دیگری بخود نداشته باشد' این قضیه در حقیقت نمادی از هزاران رنج و المی بود که در مقطع و زمان خاص به خانه و خانواده های هزاران هموطن ما گلیم غم گسترده و هزاران بیوه و یتیمی را در جامعه ما به یادگار گذاشته بود. ما بطور مؤجزو مختصر قضیه واحدی را از ذخایر مذموم و شنیع تاریخ طور مستند بازگو کردیم. تا با استفاده از چگونگی نتایج چنین قضیه باری بخود آیم و بدون گرایشهای فکری و عقیدتی' یک داوری وجدانی کنیم که عدم موجودیت و حاکمیت قانون چه فجایع و حوادثی به دنبال دارد که نتیجه نهائی آن اخلال امنیت و زدودن عدالت و ثبات و بالاخره سبب نابودی نظام و قدرت حاکم میگردد.

پس بایست به این حقایق تن دهیم و اگر ندانسته ایم بدانیم که: بی قانونی و یا قانون گریزی خود عدم حاکمیت قانون را بار آورده' و نظام کیفری و حقوقی کشور را نابود و امن و ثبات را ورشکست و در نهایت سیطره و سلطه قانون جنگل را حاکمیت می بخشد و در نتیجه هر قدرت و نظام حاکم را خلاف تصور ایشان به زوال محکوم می سازد.

ما تجارب تلخ چنین حقایق را بار ها دیده و چشیده ایم. و انکار ازان بیمایگی فکری ما را بر ملا میسازد. ما اگر چنین وقایع تلخ به اثبات رسیده جامعه خود ها را با سلامت عقل نپذیریم و یا تنها با تصور فریب بر دیگران ازان طرفه رویم سخت در اشتباه ایم زیرا نتایج ملموس و محسوس و احادیث مستند از نتایج بی قانونی ها و قدرت های حاکمه را بسیار دیده و خوانده ایم - و ثابت تاریخ زدودنی نیست و سند تاریخی بر جوامع بشری ابدی و نگهداشتنی می باشد.

پس اگر ذکر و یادی ازان روزگاران بنا بر ضرورت بحث و یا انشاء قلم اتفاق می افتد خود درس عبرتی از جهات مثبت و منفی قضیه و واقعه است. که باید آن را به مغز و فکر خویش جا دهیم.

واز جانبی هم اگر بُعد دیگر این قضیه را از صفات انسانی و شایستگی اجتماعی' پاکی وجدان' صداقت و راستکاری انسانهای نخبه' برخوان قضاوت خویش بگذاریم. روح قضیه گذشته و مرد اکتیف و راستکاری چون صوفی رسول می

تواند سر مشق زندگی برای طرز زندگی و وجدان راحت ما قرار گیرد. یا هو

سخی صمیم